

## تجربه سالمندی و چالش‌های هویت‌نقشی سالمندان: یک پژوهش کیفی

منصور حقیقتیان<sup>۱</sup>، علی هاشمیان فر<sup>۲</sup>، زهیرمصطفی بلوردی<sup>۳</sup>

### مقاله پژوهشی

#### چکیده

**مقدمه:** نمودار حرکت جمعیتی حکایت از انتقال جمعیت به سوی سالمندی دارد. از این‌رو، مطالعه و شناخت مسایل مرتبط با این قشر سنی، ضرورت اجتناب‌ناپذیری است. سالمندان با مشکلاتی همچون جدایی از نقش‌های فعال و دارای اعتبار به نقش‌ها مواجه هستند که هویت‌نقشی‌شان را دچار چالش نموده است. پژوهش حاضر به دنبال درک تجارب زیسته سالمندان از این مقوله بود.

**روش:** این مطالعه به شیوه کیفی انجام گرفت و در آن از روش پدیدارشناسی استفاده گردید. شرکت‌کنندگان از میان سالمندان شهر کرمان انتخاب شدند. نمونه‌گیری مبتنی بر هدف با ۲۱ شرکت‌کننده انجام گرفت. روش اصلی جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های بدون ساختار و عمیق با روش تجزیه و تحلیل Colaizzi بود.

**یافته‌ها:** در طی فرایند مطالعه چالش‌های هویت‌نقشی، مضمون اصلی حس رهاشدگی با پنج درون‌مایه فرعی تر «بهت‌زدگی، انفکاک شغلی، جدایی تعاملاتی، وابستگی اقتصادی» و مضمون اصلی حس کنترل‌زدایی با درون‌مایه‌های «خویش‌تن از هم گسیخته و احساس نزدیکی مرگ» استخراج گردید. ضمن این‌که خویش‌تن از هم گسیخته دو درون‌مایه فرعی تر بیگانگی و داغ بی‌اعتباری را در برمی‌گرفت.

**نتیجه‌گیری:** پژوهش حاضر با توصیف مقوله چالش‌های هویت‌نقشی، درک تازه‌ای از تجارب افراد در ورود به مرحله سالمندی فراهم ساخت. همچنین، ریشه‌چین چالش‌هایی را علاوه بر تحولات جمعیت‌شناختی، به تغییرات ساختار اجتماعی جامعه نیز مرتبط می‌داند. بنابراین، عدم برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر مناسب جهت اصلاح این وضعیت، شاید یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی در دهه‌های آینده خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها:** هویت‌نقشی، حس رهاشدگی، حس کنترل‌زدایی.

**ارجاع:** حقیقتیان منصور، هاشمیان فر علی، بلوردی زهیرمصطفی. تجربه سالمندی و چالش‌های هویت‌نقشی سالمندان: یک پژوهش کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۴؛ ۴ (۳): ۳۵۰-۳۳۹.

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۷

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۲

Email: mansour\_haghighatian@yahoo.com

۱- دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان، اصفهان، ایران  
۲- استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران  
۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسایل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان، اصفهان، ایران  
نویسنده‌ی مسؤل: منصور حقیقتیان

## مقدمه

کاهش مرگ و میر، افزایش امید به زندگی و گسترده شدن رأس هرم سنی جوامع امروز، حکایت از «انتقال جمعیت شناختی (Demographic transition)» به سوی سالمندی دارد. پیش‌بینی‌های آماری جهان حکایت از آن دارد که ۸۰ درصد جمعیت در سال ۲۰۵۰ به سالمندی خواهد رسید (سازمان بهداشت سلامت، سال ۲۰۰۸). پیر شدن جمعیت در ایران نیز مانند بسیاری دیگر از جوامع، روندی افزایشی دارد؛ به گونه‌ای که جمعیت سالمند از ۷/۳ درصد (بیش از ۵ میلیون) در سال ۱۳۸۵ به ۸/۲ درصد (نزدیک به ۷ میلیون) در سال ۱۳۹۰ رسیده است و چنانچه این روند حرکتی دنبال گردد، به رشد ۲۲ درصدی سالمندی در سال ۱۴۲۵ خواهیم رسید (۱). از این رو، به تدریج باور به جوان بودن جمعیت ایران را باید به فراموشی سپرد. امری که به باور ما با توجه به سرعت ۶ برابری پیر شدن افراد بالای ۸۵ سال، نسبت به جوانان (۲)، تحت عنوان مفهوم «خاکستری شدن جمعیت» قابل مطالعه است. بنابراین، می‌توان از آن به عنوان مؤلفه عمده‌ای در شناخت مصائب و چالش‌های سالمندی یاد کرد. چالش‌هایی که علاوه بر تحولات جمعیتی، به تغییرات ساختار اجتماعی جامعه نیز مرتبط است؛ چرا که ساختارها هم در ابعاد کلان عقیدتی و ارزشی و هم در ابعاد خرد باورها، اهداف، نیازها، انگیزه‌ها و تعهدات افراد (۳)، تغییر یافتند. این شرایط به ویژه در جامعه ما که جبر بازنشستگی، افول درآمد، حذف، انزوا، تنهایی، به حاشیه رفتن و کاهش منزلت و پذیرش اجتماعی سالمندان (۴) را در پی دارد، قابل توجه‌تر است. حال اگر این مسایل را با مشکلات جدایی سالمندان از یک نقش و شغل فعال و دارای اعتبار به یک نقش غیر فعال پیوند زنیم، پیش‌بینی تضعیف منابع حمایتی و وابستگی یک طرفه آن‌ها به نظام اجتماعی و در نتیجه وضعیت نامشخص و تا اندازه‌ای در معرض آسیب آن‌ها (۵)، مشکل نخواهد بود. پیامد چنین وضعی بی‌شک در ابتدا بر هویت و معنای سالمند از خویشتن خویش قابل مشاهده است. از این رو جامعه‌شناسان، سالمندی را به عنوان یکی از لحظات بحرانی زندگی افراد تشخیص می‌دهند (۶) و توافق دارند که چنین پیشامدهایی سالمندان را در ساخته نمودن هویتشان با چالش‌های بسیاری مواجه می‌سازد.

بر اساس نظریه Erikson، اگر هویت مانند دیگر مقولات تنها زمانی واجد برجستگی شناخته شود که در بحران و چالش باشد (یعنی چیزی که پیش‌تر ثبات داشته، اما اکنون با نوعی معضل و مشکل روبه‌رو شده است)، پس هویت‌ها در گذار به دوره جدید سنی و در تعامل و داد و ستد با بخش‌های مختلف جامعه، با چالش‌های جدی مواجه می‌شوند. یکی از این حوزه‌ها، مسأله سالمندی است. در واقع، ورود به سالمندی مرحله ویژه‌ای در زندگی فرد است که اثرات شاخصی بر فعالیت‌های روزمره زندگی، تعاملات اجتماعی، نقش‌های خانوادگی و اجتماعی و در نتیجه هویت خواهد داشت (۷). بر این مبنا، ادعا بر این است که هویت سالمندی می‌تواند به شاهبیت مطالعات اجتماعی (۸) ایران بدل گردد و در پژوهش‌های جامعه‌شناختی جایگاه محوری به خود اختصاص دهد. این امر بدین دلیل است که هویت، مفهوم مدرنی دارد و در نتیجه یکی از اساسی‌ترین و بدیع‌ترین مباحث عصر حاضر (۹) به شمار می‌رود.

البته یافتن توافق مشترکی بر سر شکل‌گیری مفهوم «هویت» (Identity)، دشوار است (۱۰)؛ چرا که هویت بیانگر دو معنی تشابه و تفاوت می‌باشد (۱۱). در یک دسته‌بندی کلی، هویت را در دو بخش «هویت جمعی و هویت فردی» قرار می‌دهند. تأکید افراد بر شباهت‌های دورن گروهی و تفاوت‌های بین گروهی، بیانگر طرح بحث هویت جمعی است و هویت فردی به موضوع تفاوت‌های فردی برمی‌گردد و امکانی برای کنشگر اجتماعی فراهم می‌آورد که برای پرسش‌های بنیادی معطوف به کیستی و چیستی خویش پاسخ قانع‌کننده‌ای بیابد. پاسخ به سؤال من کیستم؟ و افراد دیگر کیستند؟ همان «هویت شخصی» است و پاسخ به سؤال من کیستم؟ و افراد دیگر کیستند؟ معنای «هویت نقشی» را می‌رساند. هدف از انجام مطالعه حاضر، پرداختن به مبحث هویت فردی نقشی است و هویت‌های فردی شخصی و جمعی مدنظر نیست. هویت نقشی بیشتر ریشه در تقسیم کار دارد و برداری چند بعدی از معانی، انتظارات، نقش‌های اجتماعی محول شده و اکتسابی است که شخص در زندگی اجتماعی ایفا می‌کند (۱۲).

شده، به سطح زیرین آگاهی راه می‌یابد، پس مطالعه و ارزیابی ابعاد مختلف تجارب کسانی که با این موضوع روبه‌رو گشته‌اند، یکی از وظایف عمده جامعه‌شناسی است (۱۸). در این وضعیت، شناخت تجارب سالمندان از وضعیت چالشی موجود می‌تواند مسأله قابل توجهی باشد. با توجه به این که هنوز الگوی تبیین‌کننده چالش‌های هویت‌نقشی فراروی سالمندان طراحی نشده است، واکاوی و شناسایی این چالش‌ها و پرسش از وضعیت این مسأله، افق دیگری به مطالعات سالمندی باز خواهد کرد که ضرورتی انکارناپذیر است.

مسأله عمده دیگر آن است که چنین پژوهشی به منظور کارایی برنامه‌ها و سیاست‌های مرتبط با مسأله، بر نوع سناریویی که در آینده توسط مدیریت اجتماعی ترسیم خواهد شد، تأثیرگذار است. اکنون این پرسش‌ها مطرح می‌شود که توصیف سالمند از تجربیاتش در رابطه با گذار نقشی چگونه است؟ سالمند به این گذار و انفکاک نقشی چه معنایی می‌بخشد؟ توصیف سالمند از پیامدهای انتقال نقشی چیست؟ از منظر سالمند، وضعیت موجود چرا روی می‌دهد؟ از نظر سالمند، دیگران چه نقشی در ایجاد شرایط موجود دارند؟ و از نظر سالمند، پیامدهای اجتماعی شرایط فوق چیست؟ بنابراین، هدف از انجام پژوهش حاضر، تلاش در جهت شناسایی چالش‌های فراروی هویت‌نقشی سالمندان با استفاده از روش کیفی و ورود به دنیای تجربه زیسته آنان بود.

### روش

پدیدارشناسی هم یک مقوله فلسفی و هم یک روش تحقیق است که به منظور درک پدیده‌ها از طریق تجارب انسانی گسترش یافت. این روش به دنبال روشن ساختن ساختار و جوهره پدیده‌های تجربه شده و توصیف دقیق آن از طریق تجزیه و تحلیل تجارب زندگی شرکت‌کنندگان می‌باشد. مطالعه حاضر در سال ۱۳۹۳ به منظور درک تجربه سالمندان شهر کرمان از چالش‌های فراروی هویت‌نقشی‌شان در ورود به مرحله سالمندی صورت گرفت. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند (Purposive sampling) و با کمک مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته با ۲۱ نفر در ۲ تا

در مسأله سالمندان، باید اشاره داشت که هویت‌نقشی خانوادگی و شغلی از همه مهم‌تر می‌باشد؛ چرا که چگونگی برخورد جامعه و تعریف اجتماعی نقش‌ها در ابعاد اجتماعی، تعارضات و چالش‌ها را به وجود می‌آورد. مسأله هنگامی به طور جدی مطرح می‌شود که تحول در دوره‌های سنی با محرومیت از شغل‌ها و نقش‌های اجتماعی نیز همراه می‌گردد (۱۳). با این وجود، هنوز بر روی نیازهای این قشر به عنوان یک گروه آسیب‌پذیر اجتماعی تمرکز نشده است؛ به طوری که مبحث هویت سالمندی به طور کامل مغفول و فراموش شده است. البته، غفلت در بررسی‌های سالمندی به گونه دیگری نیز قابل تأمل است. ساختاری چنین پژوهش‌هایی به طور قابل ملاحظه بر اساس ویژگی‌های کمی در چهارچوب مفهوم تنگاتنگی از گفتمان سلامت (۱۴)، سبک و کیفیت زندگی (۱۵)، گفتمان پیامد اجتماعی و جمعیتی سالمندی (۱۶) و مطالعات نسلی (۱۷) محبوس شده‌اند؛ در حالی که فقدان پژوهش‌های کیفی به خوبی احساس می‌شود. پژوهش‌های مذکور بازگو‌کننده واقعیت چالش‌های سالمندی نیست؛ چرا که مانند پژوهش‌های کمی، تجزیه پدیده پیچیده و مبهم هویت به اجزا، شناخت کاملی از آن را ارائه نمی‌کند. این در حالی است که بررسی‌های کیفی برای مطالعه درباره مباحث کمتر شناخته شده و موضوعاتی که کسب نگاه نو و بدیع درباره آن هدف قرار گرفته است، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. همچنین، دلیل محوری برای استفاده از روش‌های کیفی را باید در موضوع مورد مطالعه جستجو کرد. روش کیفی رهیافت مؤثری برای دستیابی به اطلاعاتی است که در اعماق ذهن پاسخگو قرار دارد و به آسانی نمی‌توان به آن‌ها دست یافت.

روش‌های کیفی گستره وسیعی را تشکیل می‌دهند که هر کدام به منظور برآوردن اهداف خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرند. هنگامی که هدف، بررسی تجربیات زندگی افراد و فهم کامل این تجربیات باشد، روش «پدیدارشناسی» مناسب است. حالا اگر با عاریت گرفتن مفهوم «تجربه زیسته» رویکرد پدیدارشناسی، این‌گونه مطرح شود که چنانچه بحران یا چالشی در هویت یک فرد مشاهده گردد، این چالش ابتدا به واسطه برخورد با محیط اجتماعی در ذهن کنشگر دسته‌بندی

(استخراج جملات مهم). در سومین مرحله، معنی یا مفهوم هر عبارت مهم (تحت عنوان مفاهیم تنظیم شده مطرح است) شکل گرفت (فرموله کردن معانی). در چهارمین گام، مفاهیم تنظیم شده درون دسته‌های موضوعی سازماندهی شد (ساماندهی مضامین یا موضوعات اصلی). در مرحله پنجم، یافته‌ها به درون یک توصیف جامع از پدیده مورد نظر تلفیق شدند (تلفیق نتایج). در مرحله ششم، توصیف جامعی از پدیده مورد تحقیق به شکل یک بیانیه صریح و روشن تنظیم و ارایه گردید (ساختار موضوع).

گام معتبرسازی نهایی، بر اساس ملاک‌های اعتبار (Credibility) و قابلیت اطمینان (Dependability) مورد بررسی قرار گرفت (۱۹). جهت بررسی اعتبار، اطلاعات هر مصاحبه پس از انجام تجزیه و تحلیل، جهت بازبینی و تأیید اطلاعات در اختیار شرکت کنندگان پژوهش قرار گرفت و بر اساس نظرات آنان، اصلاحات لازم صورت پذیرفت. برای قابلیت اطمینان، یافته‌ها شامل مضمون‌های اصلی و زیرمضمون‌های مطالعه با استفاده از نظرات چهار جامعه‌شناس دانشگاه‌های اصفهان و کرمان مورد بررسی، مشورت و اصلاح قرار گرفت.

### یافته‌ها

۱۰ نفر از شرکت کنندگان، زن و ۱۱ نفر مرد بودند که ۶ نفر از آنان تحصیلات دانشگاهی، ۶ نفر دیپلم، ۵ نفر ابتدایی و ۴ نفر سواد خواندن و نوشتن داشتند. داده‌های به دست آمده از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها پیرامون چالش‌های فراروی هویت‌نقشی سالمندان با دو مقوله اصلی «حس رهاشدگی و حس کنترل‌زدایی» و چندین زیرمقوله، در جدول ۱ ارایه شده است.

۳ جلسه تا اشیاع اطلاعات ادامه یافت. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۱۴۵-۶۰ دقیقه متناسب با روایات شرکت کنندگان به طول انجامید. به دلیل نبود مکان مناسب و معین برای انجام مصاحبه، برخی از آن‌ها در پارک، تعدادی در سرای سالمندان و برخی (مصاحبه‌ها با سالمندانی که هنوز به صورت حق‌الزحمه‌ای کار می‌کردند) در محیط‌های کاریشان انجام شد. معیارهای ورود به مطالعه، داشتن سن بالای ۶۰ سال، فقدان مشکلات ثابت شده ذهنی، نداشتن محدودیت‌های جسمی و حرکتی مختل کننده فعالیت‌های روزمره، رضایت داشتن به شرکت در مطالعه و توانایی بازگویی تجارب بود. شرکت کنندگان در طول مطالعه اجازه خروج از فرایند پژوهش را داشتند. قبل از شروع مصاحبه ضمن تشریح هدف تحقیق و اطمینان به محرمانه بودن اطلاعات، اجازه ضبط مصاحبه‌ها از مشارکت کنندگان گرفته شد. مصاحبه به روش گفتگوی دو طرفه (Conversational style) صورت پذیرفت؛ به طوری که مصاحبه‌ها با سؤالات باز با توجه به سؤال اصلی پژوهش مانند «آیا در ابتدا از این که کار و شغلی را که انجام می‌دادید ترک کردید، راضی بودید؟»، «بعدها چگونه؟ آیا دیدگاهتان تغییر نکرد؟» شروع می‌شد و سپس سؤالات بعدی برای ادامه و کامل شدن مصاحبه و دستیابی به داده‌های غنی‌تر بر اساس نوع پاسخ‌های مشارکت کنندگان مطرح می‌گردید.

داده‌ها نیز به روش هفت مرحله‌ای Colaizzi مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بایستگی‌های این روش، ابتدا توصیفات همه شرکت کنندگان به منظور هم احساس شدن با آن‌ها خوانده شد (ساکن شدن محقق در داده‌ها). سپس به هر کدام از یادداشت‌ها رجوع و عبارات مهم استخراج گردید

جدول ۱. مضامین و مضامین فرعی پژوهش

مضامین اصلی	مضامین فرعی	مضامین فرعی‌تر	درون‌مایه
حس رهاشدگی	بهت‌زدگی تنگنای اقتصادی	انفکاک شغلی جدایی تعاملاتی	چالش‌های هویت‌نقشی سالمندان
حس کنترل‌زدایی	خوشتن از هم گسیخته	بیگانگی داغ‌بی‌اعتباری	
	احساس نزدیکی مرگ		

### حس رهاشدگی

تغییرات مختلف در زندگی سالمندان مانند تغییر در نقش‌ها و مسؤولیت‌ها، به این حس فردی منجر می‌شود که فرد نیاز به حمایت بیشتری احساس می‌کند و در صورت عدم دستیابی به این خواسته و انتظار، حسی از رهاشدگی در ذهنش ریشه می‌دواند. چنین مفهومی به حساس شدن نسبت به کم‌توجهی اشاره دارد. این مقوله در ارتباط تنگاتنگی با پیامدهای کاهش نقش‌های اجتماعی سالمندان یافت گردید. از این رو می‌تواند معیار مهمی برای نمایش چالش‌های هویت‌نقشی سالمندان به شمار رود. درون‌مایه‌های این مضمون اصلی در مفاهیمی همچون «بهت‌زدگی، تنگنای اقتصادی و جدا افتادگی» شناسایی شد که هر کدام به نوعی حسی از رهاشدگی را در خود نهفته دارند و مصاحبه‌ها نیز به نوعی یادآور این مقوله اصلی می‌باشند.

بهت‌زدگی: مقصود از این مفهوم، وضعیت تحیر ناشی از عدم آمادگی و پیش‌بینی در مواجهه با یک موقعیت ویژه است. این مقوله تحت تأثیر عوامل بسیاری قرار می‌گیرد که از طریق کاربست جامعه‌شناسانه و با توجه به تجربیات و جایگاه نقشی برخی سالمندان قابل بررسی است. «بعد از بازنشستگی و بیکار شدن، مدتی همه چیز را گم کرده بودم... چه جوری بگم مثله یک آدمی بودم که یه چیزی رو گم کرده، یک چیزی رو کم داره». «یه چیزی شبیه حیرت‌زدگی داشتم (که) حتی مثلاً به مدت یکی دو ماه که مثلاً من همش برم تو اتاقم و به کار خودم برسم، این‌که توجه نشون ندم به خونوادم، همچین چیزایی...».

این توصیف تجربیات، یادآور رویکرد نظری تعهد نقشی است. تعهد در واقع به داشتن نقش و هویت به خصوصی بستگی دارد و هرچه این درجه تعهد یا وابستگی بیشتر باشد، آن هویت در سلسله مراتب بالاتری قرار می‌گیرد (۲۰) و احتمال حیرت‌زدگی در اثر جدایی از آن بیشتر است. اهمیت یک هویت بستگی به درجه‌ای دارد که یک نفر برای آن هویت قابل است. مرحله ورود به سالمندی، بدین معنی است که افرادی که به حرفه خود در زمان اشتغال علاقه بسیاری دارند، رضایت آن‌ها به واسطه بازنشسته شدن به میزان قابل

توجهی کاهش می‌یابد. ضمن این که عدم توجه به تجربیات نقشی سالیان متمادی، در ایجاد بهت و تعجب برخی سالمندان مؤثر بود. «بعد از مدتی با خودم فکر می‌کردم من که مدت‌ها در صنایع لاستیک کار کردم و کلی هم آگه مشکل پیش می‌اومد تو دستگاه‌ها از من کمک می‌خواستند؛ حالا موندم کجا رفت اون همه قربون صدقه؟ آدم واقعاً از کار این دنیا و آدماش حیرت می‌کنه... همه چی تموم شد واقعاً؟».

تنگنای اقتصادی: اقتصاد وجهی از رفتار کنشگران اجتماعی است که بی‌شک علاوه بر بعد معیشتی، کارکرد معنادهی به جریان زندگی را نیز در خود نهفته دارد. در نظر گرفتن مسایل اقتصادی، بخشی از چالش‌های انتقال افراد به سالمندی است. تورم و کاهش توانایی مالی سالمندان در اثر بازنشستگی، باعث ایجاد محدودیت‌هایی در فعالیت‌های اجتماعی، تفریحی و کاهش توان خرید سالمندان می‌شود. در نظر گرفتن مسایل اقتصادی، بخشی از چالش‌های انتقال افراد به سالمندی است. مکانیسم تأثیرگذاری این عامل بر ایجاد یا تشدید چالش‌های هویت‌نقشی سالمندان، به میزان بسیار زیادی شبیه به مکانیسم تأثیرگذاری مقوله بهت‌زدگی است. بدین ترتیب در جامعه‌ای که ارزش هر کس به نیروی کار فنی و تخصصی او است، از دست دادن و یا کاهش نقش‌های اجتماعی علاوه بر ایجاد حالت حیرت‌زدگی، احساس درماندگی‌های اقتصادی نیز از چالش‌های آن است که سالمندان را به دلیل ناتوانی از انجام فعالیت‌های کاری، گاهی به نوعی رها می‌کند و به حاشیه می‌راند. شناخت ما از تصویر ارایه شده در درون و بیرون سالمند، برگرفته از روایت‌های سالمندان در این زمینه است. «بعد از بازنشستگی اولش خوشحال بودم که بعد از سی سال استراحت می‌کنم، اما فقط دو ماه خوبه... آخه مسأله بودجه پیش می‌یاد که ماهی کلی پول از حقوق کمتر می‌شه».

برخورداری از امنیت مالی علاوه بر استقلال در زندگی و عدم احتیاج به دیگران، به عنوان یک پیش‌نیاز سلامتی در دوران سالمندی مورد توجه است. به ویژه برای حفظ منزلت و جایگاه اجتماعی سابق، توانایی مالی کمک می‌کند تا سالمند تصور مطلوب از خویش را شکل دهد. علاوه بر ارزش و

حرفه است. حالا بعد از سی و پنج سال که نمی‌تونم درس بدم، عذابم می‌ده».

در بعد کیفی تعهد، هرچه وابستگی به موقعیت اجتماعی بر اساس یک هویت نقشی عمیق‌تر باشد، تعهد به آن هویت نقشی بالاتر است و جدایی برای فرد چالش‌آمیز است. «به جرأت می‌گم هیچ‌کی مثله من تعهد (وجدان) کاری نداشت، همه ازم راضی بودن. به حدی که سال آخر اصلاً فکر نمی‌کردم... (مکت) فکر می‌کردم ازم می‌خوان بمونم، اما گفتند خداحافظ... اصلاً احساس حقارت می‌کردم. این قدر سخت بود که فکر می‌کردم همکارهام با نیشخند می‌گفتند این هم نتیجه وجدان کاری... با این کارها شما فکر کن روحیه می‌مونه؟!».

بسیاری از افراد هویت خود را با نقش اجتماعی و شغل خود معرفی می‌کنند. بنابراین، از دست دادن شغل به معنی انقطاع و گسیختگی غیر منتظره‌ای است که در زندگی اجتماعی یک فرد رخ می‌دهد و از پیامدهای آن، حس رهاشدگی خواهد بود. «علاوه بر کارم در ثبت احوال، در هر واقعه و مراسم مهم شهر که بود دعوت می‌شدم؛ انتخابات، شورای حل اختلاف به عنوان معتمد و راهنمایی و مشورت، اما به مرور همه این‌ها کم‌رنگ می‌شه، رها می‌کنند و می‌رن...».

### جدایی تعاملاتی

در واقع جوامع کنونی جملگی در سیطره نابسامانی‌های ارتباطی به سر می‌برند. در همین راستا Beck، پیوسته‌نگرانی خود را از سرنوشت مبهم زندگی اجتماعی بیان می‌دارد (۲۱). روایت افراد در ورود به دوره سالمندی و کاهش تعاملات اجتماعی بیشتر ریشه در موقعیت‌های نقشی آن‌ها در دوره میانسالی دارد. «همسرم سه سال قبل فوت کرد. بچه‌ها هیچ‌کدام این‌جا نیستند، دلم به کار در مغازه‌ام، دوستام، مشتری‌ها گرم بود، اما حالا که مثلاً می‌خواستم استراحت کنم که ای کاش نمی‌کردم، بعد از مدتی احساس کردم هیچ‌کس کاری به من نداره... همه، دوستام، مشتری‌ها به یک‌باره از دور و برم رفتند... (مکت) آدم دلتنگ می‌شه». «شاید باور نکنید که دلم برای شیپنت‌های دختر بچه‌ها تنگ شده. بچه‌ها

اهمیت موضوع مذکور، گاهی اوقات مقبول بودن در خانواده، گروه و روابط اجتماعی و پذیرش در جمع و احساس ارزشمندی در بین دیگران برای سالمند بیشتر از پاداش‌های مادی و افزایش حقوق در هویت‌یابی وی اثر دارد. «شغل و کاری نداشته باشی، نیازمندی به دیگران و خانواده واقعاً. البته نیاز و وابستگی مالی به قسمته فاجعه است. می‌دونی کنار اومدن با خودت سخته. برای منی که کلی به قولی کبکبه و دبدبه داشته‌م، خیلی مشکله، خیلی مشکله، مشکل بزرگیه اون...».

بازخوانی سالمندان از تنگناهای اقتصادی حاصل ترکیب بدیعی است که نشان می‌دهد چالش مالی ناشی از جدایی شغل فقط به وابستگی اقتصادی محدود نیست، عوامل فرهنگی حاکم بر جامعه و یا تصور سالمند از پایین آمدن منزلت اجتماعی‌اش نزد اطرافیان، بر این مسأله اثرگذار است. از این‌رو، تنگناهای اقتصادی را می‌توان به مجموعه اختلالاتی در روند زندگی تعبیر کرد که سالمند آن‌ها را حتی در تعاملاتش مؤثر می‌داند. «حتی من خودم می‌دونم که بچه‌هام خوبن، اما کمتر دیگه دیدیم می‌یان. من کلی نوه دارم می‌خوان کمتر خرج روی دستم بندازند، به من کمتر سر می‌زنند. خیلی دوست دارم دعوتشون کنم، اما نگاه به جیبم می‌کنم، می‌بینم نمی‌شه... خب این‌ها به مرور از احترام آدم کم می‌کنه. اگه دستم تو جیبه خودم بود، همه چی مثل قبل بود».

جدایی: نکته آخر ذکر شده در باب تعهد، در فهم مقوله فرعی فوق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که بی‌شک تعهد مبتنی بر رجحان و برتری برخی امور برای فرد و ایجاد نوعی احساس تعلق و یا وابستگی است. انقطاع و دوری از این تعلقات، تحت عنوان «انفکاک شغلی و جدایی تعاملاتی» بخشی از تلاشی است که می‌توان به منظور دریافتن چالش‌های هویتی سالمندان از آن استفاده کرد.

### انفکاک شغلی

با اعتقاد به این‌که آدمی متشکل از نقش‌های مختلفی است و افراد در زندگی خود به آن‌ها می‌پردازند، جامعه‌شناسان شغل را یکی از مهم‌ترین نقش‌های اجتماعی و یک منبع قوی برای ابراز هویت می‌دانند. «قیافه من از فرسنگ‌ها داد می‌زنه معلمم، من کار دیگه‌ای بلدم؟ نه. اصلاً ذات و هویت من این

تجارب زیسته سالمندان در زمینه این انشقاق هویتی می‌باشد.

### بیگانگی

کاربرد این واژه به نحو بارزی، متنوع و متفاوت است و به مفهوم عام، به برخی از اشکال واقعیت‌های پیرامونی، فشارها و تحمیلات بیرونی اشاره دارد (۲۳). از این رو تأکید بر حالتی است که در آن احساسات سالمند نسبت به واقعیت اجتماعی سنجیده می‌شود و اغلب زمانی پدید می‌آید که فرد قادر نیست با کاهش نقش‌های اجتماعی به مقابله برخیزد، شیوه‌های مرسوم و متداول حل آن با شکست مواجه می‌شود و احساس ضعف بر او عارض می‌گردد. این پدیده ممکن است بلافاصله در ورود به سالمندی و چه بعد از گذشت مدتی، ایجاد می‌شود. «یک غم بزرگ، خیلی بزرگ سینه‌ام را فشار می‌دهد. کلافه می‌شم، بی‌حوصله خیلی بی‌حوصله، این قدر که حتی حوصله خودمم را دیگه ندارم. شب که می‌شه فکر می‌کنم صبح باید با چه امیدی بلند شم. این خلأ بزرگی در زندگی که نمی‌دونم چه کاره‌ام در این دنیا؟ نمی‌دونم چطور باید پرسش کنم».

بسیاری از افراد هویت خود را با نقش اجتماعی و شغل خود معرفی می‌کنند. بنابراین، از دست دادن شغل به معنی انقطاع و گسیختگی غیر منتظره‌ای است که در زندگی اجتماعی یک فرد رخ می‌دهد و از پیامدهای آن، کاهش ارزش فردی و هویت خواهد بود (۲۴). «خدا می‌دونه کلافه شدم از این همه روزمرگی. زمانی که کار می‌کردیم این حرفا نبود، اما حالا می‌فهمم پیری یک سردرگمی به تمام معنا است که گریزی هم از اون نیست».

### داغ بی‌اعتباری

در حقیقت داغ بی‌اعتباری به شکاف میان آن‌چه که یک سالمند باید باشد، «هویت اجتماعی بالقوه» و آن‌چه که در حال حاضر هست، «هویت اجتماعی بالفعل» اشاره دارد. سالمندی که شکافی میان این دو هویتش باشد، داغ خورده است و کنش فرد داغ خورده در مقابل دیگران مغشوش و مبهم می‌شود (۲۵). «تنها پاسخی که به خودم می‌دم، من دارم فدا می‌شم... اون چیزی که می‌خوام، نیستم! من به چیز دیگه‌ام... این کارها که انجام می‌دم، کمتر از توانایی منه».

سالمندان بیان نمودند که چگونه با تحول در نقش‌ها

دردها شون رو به من می‌گفتند. من چهل سال توی راهنمایی و دبیرستان با بچه‌ها بودم. اصلاً یکی از اون‌ها شده بودم».

در این معنا، هویت‌نقشی، افراد را به نحو فزاینده‌ای درگیر تعاملات عمیق می‌سازد که جدایی از این تعاملات، سالمند را به سوی چالش و پرسش‌های هویتی سوق می‌دهد. «درسته که کار ما سخت بود و توانایی من و امثال من هم کم شده بود، اما ما به همدیگه (همکاران) بیشتر از قبل نیازمندیم. تازه به اصطلاح به پختگی رسیدیم. نباید به این راحتی از هم جدا می‌شدیم. سختی دوری از کار با دور هم بودن هم قطاری‌ها کمتر می‌شه».

این روایت مبین این نکته است که در واقع کنش ارتباطی تحت وجه اجتماعی کردن به کار شکل‌دهی هویت‌یاری می‌رساند و رشد و تکامل هویت شامل وارد شدن در ساختارهای عام‌گفتار و تعامل است (۲۶).

### کنترل‌زدایی

در این احساس، سالمند تصور می‌کند که محیط اجتماعی تلاش دارد با محو کردن داشته‌هایش، او را فاقد کنترل بر زندگی گرداند. روایات سالمندانی که در مصاحبه‌هایشان به این موضوع اشاره کردند و خود را دارای چنین احساسی می‌دانستند، در دو بخش فرعی «خویشتن از هم گسیخته و احساس نزدیکی مرگ» دسته‌بندی گردید.

### خویشتن از هم گسیخته

اصطلاح «خویشتن از هم گسیخته» ناظر بر سالمندی است که تمامیت (Totality) تجربه او به دو طریق اساسی انشقاق (Split) یافته است. در طریق نخست، نوعی بیگانگی در ارتباط او با جهان خویش و در طریق دوم، نوعی گسستگی در پیوند او با خویشتن وجود دارد. چنین فردی قادر نیست خود را «متفق» با دیگران به تجربه درآورد یا خویشتن را در جهان آسوده احساس کند، بلکه بر عکس خود را در شکاف آن‌چه که هست و آنچه که می‌خواهد باشد، تجربه می‌کند. خویشتن از هم گسیخته‌ای که افراد تحت تأثیر ورود به دوره سالمندی با آن روبه‌رو گشته‌اند با مؤلفه‌هایی مانند «بیگانگی با جهان و گسستگی از خویشتن» و یا به نوعی «داغ بی‌اعتباری»، مشخص شده است. آنچه در ادامه آمده است، مصداق‌هایی از

دست می‌دهد. یک جایی خوندم در قدیم پیرها می‌رفتند یک گوشه‌ای تا مرگشون برسه، حالا فکر می‌کنم این وضعیت برای من هم پیش اومده».

### بحث

گسترده‌گی چالش‌های مرتبط با سالمندان به گونه‌ای است که جهت تحلیل چالش‌های ورود به این دوره، مقوله هویت‌نقشی بررسی گردید؛ چرا که مرحله جدیدی همراه با دوری و از دست دادن بسیاری از داشته‌ها از جمله شغل، دوستان و همکاران است که هویت‌نقشی دوره قبل از سالمندی را با تهدید روبه‌رو می‌سازد. دسته‌بندی‌های چالش‌های فراروی شکل‌گیری هویت‌نقشی نیز به گونه‌ای انجام شد که بتواند توصیف‌گر تجربیات سالمندان باشد و اجازه پیش‌بینی سایر اوصاف، خصایل و سایر نیازهای آنان را نیز ارائه دهد. در این راستا، واکاوی تجارب سالمندان نشان می‌دهد که آن‌ها تجربه زیسته خاص خود را از این مسأله‌ارایه می‌کنند. بر اساس تحلیل یافته‌های پژوهش، یافته‌های ناهمسازی به وجود آمد که به صورت پیوستاری ترسیم گردید. در یک طرف این پیوستار تجاربی با مضمون اصلی «حس رهاشدگی» و زیرمضامین به‌تزدگی، تنگنای اقتصادی، انفکاک شغلی و جدایی تعاملاتی برجسته شده‌اند و در طرف دیگر پیوستار تجاربی جای می‌گیرند که با مضمون اصلی «کنترل‌زدایی» و زیرمضامین خویشتن از هم گسیخته و مقولات فرعی‌تر بیگانگی و داغ بی‌اعتباری و همچنین، زیرمضمون احساس نزدیکی به مرگ مشخص گردیدند.

یافته‌ها حاکی از آن بود که مضمون «حس رهاشدگی» با سه مقوله فرعی «به‌تزدگی، تنگنای اقتصادی و جدایی» اثر چالش‌زای بیشتری برای هویت‌یابی سالمندان دارد. به نظر می‌رسد که این مقوله‌ها هم از اولویت بالاتری در سلسله مراتب موقعیت‌های چالشی سالمندان برخوردار می‌باشند و هم اهمیت شایانی در تجارب زیسته زندگی روزمره آنان دارند. در این حالت چنان‌چه عوامل فوق در نظر گرفته شود، اولین چیزی که به ذهن می‌رسد این خواهد بود که سالمند دارای حس رهاشدگی، اغلب از یک هویت محکم و یکپارچه

مواجه شده‌اند و در به عهده گرفتن نقش‌ها و مسؤولیت‌هایشان دچار تحولات وسیعی گردیده‌اند. «رکود و بی‌ارزشی منو گرفته بود و برام ثقیل بود. این حقم نبود... چرا بچه‌ها نمی‌دونند که ما برای خودمون شخصیتی داریم و هر تقاضایی از ما می‌کنند. مثلاً هر وقت بخوان برن مهمونی و آزاد باشن، بچه‌هاشون رو می‌یارن پیش من، حالا درسته پیر شدیم، اما نه تا این حد». «احساس تمام غم‌های عالم را می‌کنی که کارها و وظایف بچه‌گونه بهت می‌دن و مثل یک بچه باهات برخورد می‌کنند. من کسی بودم که یه مدرسه پونصد نفری رو اداره می‌کردم».

می‌توان چنین برداشت نمود که روایت سالمندان از این بی‌اعتباری، به نوعی حکایت از تلاش در جهت فاصله‌گیری از نقش‌های جدیدشان دارد. آن‌ها درصدد هستند که «چیزی» باشند تا بتوانند با موفقیت، هویت‌نقشی خاصی را به دست آورند.

### احساس نزدیکی مرگ

از هم گسیختگی و عدم کنترل فردی درک شده به مفهوم «بودن»، پیوند عمیقی با یادآوری مکرر مرگ نزد سالمندان دارد (۲۶). از برخی مصاحبه‌ها چنین برمی‌آید که احساس نزدیکی به مرگ در افراد مسن نه فقط به دلایل زیستی، بلکه بیشتر به عوامل اجتماعی وابسته است (۲۷)؛ چرا که احساس از دست دادن کنترل بر زندگی و موقعیت اجتماعی که تا پیش از این در حیطه تسلط آن‌ها بوده است، بر ترس و پریشانی دامن می‌زند؛ تا آن‌جا که سالمند گمان می‌کند مغلوب جبر زندگی، چرخش زمانی و آینده مبهم آن شده است. «وقتی جامعه با تو مثل یک دستمال مجال‌ده شده برخورد می‌کنه، همه چیزو ازت می‌گیره، کار، عشق، فرزند... باید تن به چرخ گردون بدی».

«شاید مثلاً هر کسی چشاشو ببندد، ۱۰ سال آیندشو بتونه تصور کنه یا مثلاً ۸ سال آیندشو بتونه تصور کنه؛ من وقتی چشامو می‌بندم، هیچ چیزی نمی‌تونم برا خودم تصور کنم؛ شاید، شاید، یکی از دلایلی این باشه که دیگه همه چیزو ازمون گرفتن و آینده‌ای نداریم؛ جز این‌که به فکر اون دنیامون باشیم، کار دیگه‌ای نداریم بکنیم».

«وقتی حمایت نمی‌شی، احساس بی‌مصرفی و مرگ بهت



دست دادن نقش، حس بی‌ثباتی یا بی‌اعتمادی نسبت به محیط اجتماعی، اعتماد به نفس، ارزش فردی و در نتیجه هویت است (۲۴). چنین نگرش‌ها و رفتارهایی نشان می‌دهد که بی‌اعتبار شدن در تجربه از هم گسیختگی سالمندان، با تهدید هویت همراه بود. رعایت احترام متقابل و منزلت اجتماعی مناسب از جمله انتظارات سالمندان می‌باشد؛ بدین معنی که فاصله میان هویت بالقوه و بالفعل سالمند ممکن است در روند زندگی وی که برای مدت پنج دهه از آن می‌گذرد، فردیت او را بستاند، بدون این که کمترین امید به هستی و حیات برخوردار باشد. این بیان حکایت از آن دارد که فرد، سالمندی را نوعی تجربه حیات‌زدایی و مرگ می‌داند.

### نتیجه‌گیری

جدا از این که طیف چالش‌های هویتی سالمندان تا چه میزان گسترده یا محدود باشد و چه داوری ارزشی از تجربیات زیسته آن‌ها وجود داشته باشد، نباید از اهمیت و هویت‌یابی نقشی افراد در ورود به سالمندی غافل شد؛ چرا که از یک سو، هویت نقشی به عنوان یک نیاز روانی به فرد احساس مفید بودن و سودمندی می‌دهد و از سوی دیگر، سالمندان به مثابه مخزن تجارب ارزنده، منتفع‌کننده نظام اجتماعی هستند. از این‌رو، به نظر می‌رسد که بزرگ‌ترین چالش این قشر سنی، تشخیص سالمندی به عنوان یک مرحله تکاملی و اهمیت برابر آن با سایر دوره‌های سنی است. بنابراین، تمایل افراد سالمند به حفظ نقش‌هایی که خصایص دوران میانسالی را مجسم می‌سازد، بی‌شک در امتداد خواست همان پیوستگی هویتی است (۳۴).

در واقع، مسأله آن است که چالش‌های فراروی سالمندان در هویت‌یابی نقشی آنان، بر نوع سناریوی‌های ترسیم شده آینده، تأثیرگذار خواهد بود. بر این اساس، برنامه‌ریزی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط با سالمند همچون هر برنامه‌ریزی دیگری نیازمند شناخت ارزش‌ها و گرایش‌های آنان است. پس به موازات سیال شدن آرزوها، نیازها و منافع سالمندان، دولت‌ها باید انعطاف‌پذیری و مسؤولیت‌پذیری خود را بیشتر کنند. میزان این انعطاف‌پذیری، نقش بسیار مهمی در

برخوردار نیست (۲۸). در درون خود احساس بهت‌زدگی و شوک از وقایع در حال وقوع دارند. در توجیه این موضوع و با توجه به تجربیات بیان شده سالمندان، باید به رابطه بین کاهش ناگهانی و اجباری نقش‌های اجتماعی و حیرت‌زدگی سالمند اشاره داشت. در واقع، کاهش و انفکاک از نقش‌ها نه انتخابی ذاتی، بلکه انعکاس ساختارهای حاکم بر فرهنگ جامعه می‌باشد. اهمیت این مسأله از آن‌رو است که چنین حالتی سالمند را دارای چالش و هویت شکننده می‌کند و به همین دلیل شغل و تعاملات اجتماعی بسیاری مورد توجه او قرار می‌گیرد، اما این فقط یک جنبه ماجرای چالش‌های سالمندان است. موانعی سد راه این گروه در هویت‌یابی نقشی‌شان وجود دارد که از مقوله «تنگنای اقتصادی» به دست می‌آید.

یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که وابستگی و امنیت مالی در میان سالمندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مفهوم نشان از اهمیت این مقوله در پیشبرد و ساخت هویت مطلوب نقشی در جامعه ما دارد و قضاوت جامعه از فرد بیشتر بر مبنای بعد مالی است (۲۹). بیان Blakeley و Ribeiro در امتداد همین مطلب است که سالمندی با کاهش درآمد، از دست دادن کار، کاهش سایر موارد توأم با کار، دوستان، همکاران، شبکه اجتماعی (۳۰) و احساس از دست دادن کنترل بر هویتش همراه است (۳۱). بنابراین، از تنگناهای اقتصادی در تجربیات سالمندان به عنوان یک دوره ناامنی یاد می‌شود (۳۲) که به دنبال خود احساس جدایی را به همراه دارد و امتداد هویت نقشی افراد در انتقال به سالمندی را قطع می‌کند. در واقع، وجود زیرمقوله‌های «انفکاک شغلی و جدایی تعاملاتی»، طیف وسیعی از تجربیات کاهش نقش‌های اجتماعی در میان سالمندان را مشخص می‌کند. جدایی نقشی می‌تواند الگوهای زندگی را تغییر دهد و بر هویت سالمندان تأثیرگذار باشد (۲۹)؛ پیامد منفی که در شبکه تعاملاتی سالمند نیز قابل ردیابی است (۳۳). در این امتداد سالمند احساس می‌کند که هویت نقشی او را به سمت آشوبناکی می‌کشند. این گزاره اشاره به بیگانگی سالمندان ایران دارد که تا درجات زیادی معلول از

### محدودیت‌ها

هدف از هر تحقیق پدیدارشناسی، حصول به توصیفی است که با پشت سر گذاردن مراحل مختلف صورت می‌گیرد. اما آنچه در تحقیق حاضر بر سختی این مسیر می‌افزود و بخش زیادی از زمان محققان را به خود اختصاص داد، انجام مصاحبه‌ها و سپس پیاده کردن آن‌ها بود؛ چرا که ذهن تبیین نشده سالمندان، سختی بسیاری را به همراه داشت. نگه داشتن سالمند در مسیر مصاحبه مشکل بزرگی بود که زمان‌بندی مورد نظر مصاحبه را طولانی (حدود شش ماه) کرد. شاید به قول یکی از این افراد، سالمندان به دنبال گوش شنوایی برای سخن گفتن هستند. حداقل زمان مصاحبه‌ها ۶۰ دقیقه بود؛ این در حالی است که زمان مصاحبه ۱۴۵ دقیقه‌ای هم وجود داشت. همچنین، نمی‌توان از سختی‌ها و محدودیت‌های دیگر نیز غافل شد. در نگاه بعضی سالمندان در بیان برخی تجارب، نگرانی‌هایی به چشم می‌خورد که این امر ممکن است در پاسخدهی آن‌ها تأثیرگذار بوده باشد.

### تشکر و قدردانی

بدین وسیله از کلیه شرکت‌کنندگانی که در این پژوهش ما را یاری رساندند سپاسگزاری می‌نماییم.

تداوم، بهبود یا کاهش مشروعیت دولت خواهد داشت. این در حالی است که تجارب افراد طی ورود به سالمندی، تهدید هویت بود. فقدان برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر مناسب جهت اصلاح این وضعیت، شاید یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی دولت‌ها در دهه‌های آینده خواهد بود؛ چرا که این برنامه‌ها به گروهی ارایه می‌شود که واجد اعتقادات، ارزش‌ها و سبک زندگی متمایزی هستند و در آینده بخش عظیمی از جمعیت ایران را تشکیل خواهند داد.

البته نظر به این‌که نمونه‌های مورد مطالعه در این تحقیق را «سالمندان شهر کرمان» تشکیل دادند و همچنین، نتیجه‌گیری حاصل از تحقیق برابند مستقلاً است که تنها نمونه مورد مطالعه را در خاص بودن آن توضیح می‌دهد، به منظور بدل گشتن آن به رویکرد تعمیم یافته‌ای، به عنوان پیشنهاد نیاز به آن است که موضوع تحت انواع شرایط مکانی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، از آنجا که پرداختن به استراتژی‌های سالمندان در برخورد با این چالش‌ها جزء اهداف اولیه تحقیق نبوده شاید پژوهش حاضر در این زمینه دچار کاستی‌هایی باشد. بنابراین، انجام تحقیقی در زمینه استراتژی‌های سالمندان در برخورد با چالش‌های هویتی ضروری به نظر می‌رسد.

### References

1. Statistical Centre of Iran. Selected findings of national population and housing census, 2011. Tehran, Iran: Statistical Centre of Iran; 2011. [In Persian].
2. Giddens A. Principles of sociology. Trans. Chavoshian M. Tehran, Iran: Ney Publications; 2007. [In Persian].
3. Abdollahi M. Sociology of identity crisis. Iranian Journal of Cultural Research 1996; 1(2-3): 121-54. [In Persian].
4. Crystal S, Shea D. Annual review of gerontology and geriatrics [Online]. [cited 2002]; Available from: URL: <http://www.springerpub.com/annual-review-of-gerontology-and-geriatrics-volume-22-2002.html>
5. Sheikhi MT. Sociology of aging. Tehran, Iran: Harir Publications; 2010. [In Persian].
6. Kelly NR, Swisher L. The transitional process of retirement for nurses. J Prof Nurs 1998; 14(1): 53-61.
7. Rosenkoetter MM, Garris JM. Retirement planning, use of time, and psychosocial adjustment. Issues Ment Health Nurs 2001; 22(7): 703-22.
8. Howard JA. Social psychology of identities. Annual Review of Sociology 2000; 26: 367-93.
9. Bauman Z. From pilgrim to tourist or a short history of identity. In: Hall S, du Gay P, Editors. Questions of cultural identity. New York, NY: Sage Publications; 1996. p. 18-36.
10. Schlesinger P. Media, state, and nation: political violence and collective identities. New York, NY: Sage Publications; 1991.
11. Jenkins R. Social identity. London, UK: Routledge; 2000.
12. Balvardi Z. Survey of modern self-identity development among adolescent girls in Tehran in 2008 [Thesis]. Tehran, Iran: Allameh Tabataba'i University; 2008. [In Persian].
13. Khadivi GH, Navaei F. Social beings, an essay on the history, meaning and context of social criticism. Tehran, Iran: Agah Publications; 2004. [In Persian].

14. Shirazi Khah M, Mousavi MT, Sahaf R, Sarmadi M. Study of health and social indicators of elderly women in Iran. *Salmand* 2012; 6(1): 66-78. [In Persian].
15. Ghodrati H, Mohammadpur A, Afrasiabi H, Mohammadian M. Factors affecting subjective well-being of elders, case: The city of Sabzvar. *Journal of Iranian Social Studies* 2012; 6(1): 79-100. [In Persian].
16. Mikaeili N, Rajabi S, Abbasi M. A comparison of loneliness, mental health and self-efficacy of the elderly. *Social Psychology Research* 2012; 7(22): 73-81. [In Persian].
17. Rastegarkhaled A. Measure of job-family role conflict and its influencing factors (Case Study: Dual career couples, families Tehran) [Thesis]. Tehran, Iran: Tarbiat Modares University; 2002. [In Persian].
18. Elo S, Kyngas H. The qualitative content analysis process. *J Adv Nurs* 2008; 62(1): 107-15.
19. Mohammadpour A. Anti-method qualitative research methods. Tehran, Iran: Jameshenasan Publications; 2010. [In Persian].
20. Stryker S, Serpe RT. Commitment, identity salience, and role behavior: theory and research example. In: Ickes W, Knowles ES, Editors. *Personality, roles, and social behavior*. Berlin, Germany: Springer Science + Business Media; 1982.
21. Ameli S. Globalization studies: Two world-ins and two space-ins. Tehran, Iran: Samt Publications; 2012. [In Persian].
22. Outhwaite W. *Habermas: A critical introduction*. Cambridge, UK: Polity; 2007.
23. Mohseni Tabrizi AR. Alienation, conceptualize and group theory in sociology and psychology. *Social Science* 1991; 2: 25-73. [In Persian].
24. Miler J. The social dilemma of the aging leisure participation. In: Neugarten BL, Editor. *Middle age and aging: a reader in social psychology*. Chicago, IL: University of Chicago Press; 1968. p. 364-74.
25. Ritzer G. *Contemporary sociological theory*. New York, NY: Alfred A. Knopf; 2008.
26. Smith GC, Kohn SJ, Savage-Stevens SE, Finch JJ, Ingate R, Lim YO. The effects of interpersonal and personal agency on perceived control and psychological well-being in adulthood. *Gerontologist* 2000; 40(4): 458-68.
27. Glaesmer H, Riedel-Heller S, Braehler E, Spangenberg L, Lupp M. Age- and gender-specific prevalence and risk factors for depressive symptoms in the elderly: a population-based study. *Int Psychogeriatr* 2011; 23(8): 1294-300.
28. Young J, Klosko JS, Weishaar ME. *Schema therapy: a practitioner's guide*. New York, NY: Guilford Press; 2008.
29. Earl JK. The contribution of spirituality to the process of retirement. *Journal of Management, Spirituality & Religion* 2010; 7(3): 223-40.
30. Blakeley J, Ribeiro V. Are nurses prepared for retirement? *J Nurs Manag* 2008; 16(6): 744-52.
31. Parvizy S, Ahmadi F, Nasrabad AN. An identity-based model for adolescent health in the Islamic Republic of Iran: a qualitative study. *East Mediterr Health J* 2008; 14(4): 869-79.
32. Nuttman-Shwartz O. Like a high wave: adjustment to retirement. *The Gerontologist* 2004; 44(2): 229-36.
33. Nahum-Shani I, Bamberger PA. Work hours, retirement and supportive relations among older adults. *J Organ Behav* 2009; 30(1): 1-25.
34. Howie L, Coulter M, Feldman S. Crafting the self: older persons' narratives of occupational identity. *Am J Occup Ther* 2004; 58(4): 446-54.

# The experience of ageing and role identity challenges of the elderly: A qualitative research

Mansour Haghghatian<sup>1</sup>, Seyed Ali Hashemianfar<sup>2</sup>, Zahirmostafa Balvardi<sup>3</sup>

## Original Article

### Abstract

**Introduction:** The demographic trend chart shows the trend of the population toward senility. Therefore, studying and understanding the issues of the elderly is a necessity. The elderly face challenges of role identity as they have been separated from their active and creditable roles. This research was conducted with the aim of understanding the life experiences of the elderly in this respect.

**Method:** This was a qualitative research, in which the phenomenological approach was used. The participants were selected from among the elderly in Kerman, Iran, through purposive sampling (21 participants). In-depth unstructured interviews were the main data collection method. In addition, data were analyzed using Colaizzi's method.

**Results:** The main themes obtained were "the feeling of abandonment" and "the feeling of being decontrolled". The theme of "the feeling of abandonment" consisted of five subthemes consternation, job separation, interaction separation, and economical dependability. The main theme of "the feeling of being decontrolled" consisted of two subthemes of the shattered self and the feeling of closeness of death. The subtheme of the shattered self also consisted of the two subcategories of alienation and the pain of being discredited.

**Conclusion:** This present research provided a new understanding of the experiences of elderly individuals by describing the challenges of role identity. The roots of these challenges, in addition to changes in demographic structure, are in changes in the social structure of our society. Thus, the lack of scheduling and use of appropriate measures to improve this situation will be one of the most important challenges in future decades.

**Keywords:** Role identity, The feeling abandonment, The feeling of being decontrolled

**Citation:** Haghghatian M, Hashemianfar SA, Balvardi Z. **The experience of ageing and role identity challenges of the elderly: A qualitative research.** J Qual Res Health Sci 2015; 4(3): 339-50.

Received date: 2.5.2015

Accept date: 29.8.2015

1- Associate Professor, Islamic Azad University, Dehaghan Branch, Isfahan, Iran  
2- Assistant Professor, Department of Social Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran  
3- PhD Student of Sociology, Islamic Azad University, Dehaghan Branch, Isfahan, Iran  
**Corresponding Author:** Mansour Haghghatian, Email: mansour\_haghghatian@yahoo.com